

حادث بودن عالم با فاصله زمانی صورت نمی‌گیرد

اگر میان واجب الوجود بالذات و جهان به عنوان مخلوق، زمان نیز به عنوان مخلوق دیگری فاصله شود و این امر مستلزم تسلسل بی پایان یا دور باطل خواهد بود. بنابراین حادث بودن عالم با فاصله زمانی صورت نمی‌گیرد.

اگر میان واجب الوجود بالذات و جهان به عنوان مخلوق، زمان نیز به عنوان مخلوق دیگری فاصله شود و این امر مستلزم تسلسل بی پایان یا دور باطل خواهد بود. بنابراین حادث بودن عالم با فاصله زمانی صورت نمی‌گیرد. به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر با عنوان «مسئله حدوث ذاتی» یادداشتی است که در سایت شخصی دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی منتشر شده است.

بدون تردید خداوند تبارک و تعالی واجب الوجود قدیم بالذات بوده و همواره نیز فعال است. کسی نمی‌تواند بگوید خداوند، زمانی فعال نبوده و سپس فاعل بودن در او حادث شده است زیرا حق تعالی محل حوادث نیست و هیچ گونه تغییر و دگرگونی در ساحت مقدس او راه ندارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت در دستگاه آفرینش تعطیل وجود ندارد و خداوند تبارک و تعالی هرگز بیکار و بدون فعل نبوده است. چگونه ممکن است کسی به ذات و صفات حق تعالی باور داشته باشد و چنین پندارد که ذات و صفات حق تعالی برای مدتی نامعلوم یا غیر متناهی منشأ آثار نبوده است؟ شاید بتوان این پرسش را گسترش داد و با درک معنی واقعی وجود پرسید که آیا می‌شود یک موجود هر اندازه کوچک و فرومایه باشد، بی اثر شناخته شود و هیچ فعلی از آن صادر نگردد؟

اگر بپذیریم که وجود عین منشأیت آثار است چگونه می‌توانیم از یک موجود بدون اثر و بی خاصیت سخن بگوییم؟ با توجه به آنچه در اینجا ذکر شد به آسانی می‌توان گفت خداوند که واجب الوجود بالذات و قدیم ازلی است هرگز بدون فعل نبوده و در دستگاه آفرینش او تعطیل جایگاهی ندارد. فلاسفه و حکمای مسلمان ضمن اینکه فاعل بودن حق تبارک و تعالی را قدیم می‌دانند به حادث بودن عالم سخت باور دارند. زیرا در نظر آنان عالم، ممکن الوجود است و خارج شدن جهان از حد امکان و مرحله تساوی میان هستی و نیستی به سوی وجود، حادث شناخته می‌شود. ممکن، از آن جهت که ممکن است با هستی و نیستی نسبت مساوی دارد. خارج شدن ممکن از حد تساوی همان چیزی است که در نظر حکما حادث شناخته می‌شود.

در خارج شدن ممکن از حد تساوی میان هستی و نیستی و رسیدن به مرحله وجود، فاصله زمانی تحقق نمی‌پذیرد زیرا اگر میان واجب الوجود بالذات و جهان به عنوان یک مخلوق، زمان نیز به عنوان یک مخلوق زمان دیگری فاصله شود و این امر مستلزم تسلسل بی پایان یا دور باطل خواهد بود. بنابراین حادث بودن عالم با فاصله زمانی صورت نمی‌پذیرد بلکه حدوث عالم همان چیزی است که «حدوث ذاتی» خوانده می‌شود.

در حدوث ذاتی فاصله زمانی مطرح نیست بلکه تأخر مخلوق از خالق به معنی تأخر فعل از فاعل شناخته می‌شود. همانگونه که میان معلول و علت تأمه فاصله زمانی وجود ندارد میان فعل از آن جهت که فعل است با فاعل خود نیز فاصله زمانی تحقق نمی‌پذیرد. حرکت و گردش یک کلید علت گشوده شدن قفل است بنابراین تقدم گردش کلید بر گشوده شدن قفل یک امر مسلم به شمار می‌آید ولی در این تقدم و تأخر فاصله زمانی دخالت ندارد. با این همه گشوده شدن قفل اثر گردش و چرخیدن کلید شناخته می‌شود و در نتیجه یک امر حادث به شمار می‌آید. کسانی که از حدوث ذاتی سخن می‌گویند و حادث بودن را یک امر موخر می‌شناسند به همین معنی از تأخر اشاره می‌کنند و البته معلوم است که این نوع از تأخر، تأخر زمانی نیست و زمان هیچ گونه نقشی در آن ایفا نمی‌کند.